

چرا مونتاز خودروهای ایران
اینقدر گران از آب در می‌آید؟

عدد ترسناک ارزبری
مونتاز کاران

صفحه ۷



پیش‌بینی محتاطانه از رشد اقتصاد جهانی در سایه جنگ تعرفه‌ای

رشد شکننده اقتصاد جهانی

پول در جدیدترین گزارش خود که سه‌شنبه شب منتشر شد، پیش‌بینی رشد اقتصاد جهان در سال ۲۰۲۵ را اندکی از ۳ درصد به ۳.۲ درصد افزایش داد اما هشدار داد که در سال‌های آینده، به‌ویژه ۲۰۲۶، این نرخ دوباره به



یادداشت-۲

ارتباط متقابل رشد بورس با اعتماد عمومی

ایرانیان بوده‌است؟ مثالی وجود دارد که می‌گوید زمین (به‌عنوان ایتیم‌سرمایه‌گذاری) به‌شما خیانت نمی‌کند! تا چند سال پیش بانک‌ها هم کم‌وبیش همین وضعیت را داشتند و آنقدر این اعتماد پررنگ بود که مردم پول خود را در هر موسسه مالی و اعتباری و صندوق بی‌نام و نشانی سپرده می‌کردند تا اینکه برخی سوداگران از راه رسیدند و اعتماد مردم را بر باد دادند. کار به جایی رسید که این موسسات ورشکسته شدند و اعتماد برای همیشه از این موسسات مالی رخت بربست. به عبارت روشن‌تر در هر بخش اقتصادی که زمینه جلب اعتماد عمومی فراهم شد، مردم هم سرمایه‌های خود را بدون امساک وارد کردند. به‌رغم خدادهای سال ۹۹ بخش‌هایی از ایرانیان به دلیل فعال‌سازی اسنبک و به انگیزه مصون ماندن دارایی‌شان از تورم به بورس آمده‌اند و به دنبال جبران اثرات منفی ناشی از کاهش ارزش دارایی‌شان هستند. اما چگونه می‌توان با اثر عینی شناخته می‌شود. این کشورها در بحران سال ۲۰۰۸ نیز آسیب کمتری دیدند در حالی که کشورهایمانند ایتالیا و اسپانیا... تقریباً ز یاد آمدند. نظام‌مندی در هر سه قوه کشور می‌تواند ضامن سلامت اقتصادی باشد، قوانینی که بر اساس منافع جمعی تدوین می‌شوند، دولتی که منصفانه اجرا می‌کند و نظام قضایی که بی‌طرفانه به جرایم و تخلفات رسیدگی می‌کند. این مثلث، ضامن سرمایه اجتماعی کشور است که همانا اعتماد عمومی نام دارد.

۱) آیا تا به حال فکر کرده‌اید که چرا ایرانیان تا سال‌ها، پس‌انداز خود را در بانک نگه می‌داشتند؟ چرا سرمایه‌گذاری در مسکن و زمین همیشه مورد علاقه

آمار بی‌سابقه مشروطی دانشجویان کارشناسی
در سایه فقر، بی‌انگیزگی و غیبت سیاست‌گذاری

مشروط به امید
بحران خاموش دانشگاه‌های ایران

صفحه ۸

«تعال» بررسی می‌کند

بورس
در محاصره
تحریم‌ها

از دهه ۸۰ با آغاز تحریم‌ها، مسیر معاملات بورس تهران تا حدود زیادی تغییر کرد. از دهه ۸۰ با آغاز پرونده هسته‌ای، اقتصاد کشور به‌طور جدی تحت تأثیر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفت و در ادامه مسیر نیز این تحریم‌ها پس از توافق برجام در سال ۱۳۹۴ تعلیق شد، اما مجدداً در پنجمین روز مهرماه با فعال‌سازی «هکانسیسم ماشه» توسط سه کشور اروپایی (بریتانیا، فرانسه و آلمان) با حمایت ایالات متحده، دوباره تحریم‌ها به کشور بازگشت و شرایط سرمایه‌گذاری و معاملات بورس یکبار دیگر دستخوش تغییر و تحولات شد. پیش از آغاز تحریم‌ها نوع سرمایه‌گذاری در...

ساخت و ساز مسکن
میان دور وایت

رشد روی کاغذ
رکود در واقعیت

در حالی که نهادهای رسمی با آپ‌تاپ از افزایش ۷ درصدی ساخت‌وساز در پایتخت سخن می‌گویند، صدای هشدار درباره کاهش ۳۰ تا ۵۰ درصدی ساخت‌وساز در بسیاری از استان‌ها زبان‌ریس سازمان نظام مهندسی کشور به گوش می‌رسد. دو روایت کاملاً متضاد از یک پدیده واحد که پرسش‌های جدی‌تری را درباره سیاست‌گذاری کلان در حوزه مسکن...

یادداشت-۴

نگاهی به جنگ تعرفه‌ای
چین و آمریکا

از سال‌ها پیش تحلیلگران، وقوع درگیری گسترده میان چین و آمریکا را پیش‌بینی کرده بودند. با حضور ترامپ این درگیری فعلاً به صحنه اقتصادی کشیده شده است و او سعی می‌کند با چین همان رفتاری را داشته باشد که با بقیه کشورها داشته و از این طریق آنها را وادار به پیروی از خود کرده است. اما مسأله اینجاست که چین کشور بزرگ و قدرتمندی است و به مقابله با این تعرفه‌های جدید علیه چین، اما بعد از نامیدی رانانیده بگیرند. آمریکا برای تأمین کالاهای مصرفی و مواد اولیه کیمیا معدنی برای صنایع هایتک خود نیازمند چین است. چین هم بازار بسیار بزرگ خود در پائین این نبرد تعرفه‌ای، قابل پیش‌بینی نیست، چون ترامپ پیش‌بینی‌پذیر نیست. او تا دیروز که امیدوار به دریافت جایزه صلح نوبل بود، حاضر به اعمال تعرفه‌های جدید علیه چین نشده، اما بعد از نامیدی از دریافت این جایزه فرمان اعمال تعرفه‌ها علیه این کشور را صادر کرد. به نظر می‌رسد پائین این جنگ تعرفه‌ای توافق در-بر-بر برای چین و آمریکا باشد. به اعتقاد من آمریکا در درازمدت نمی‌تواند این تعرفه را اعمال کند، چرا که باعث کمبایی و گرانی در بازار آمریکا خواهد شد. افزایش تورم در آمریکا حتی به میزان ۰.۲۵ درصد هم می‌تواند جنجال‌افزین باشد. فعلاً هر دو کشور چنگ و دندان به هم نشان می‌دهند تا به یک توافق برسند.

آمریکا قبل از اعلام این محدودیت برای چین، چندین شرکت، کشتی و بندر چینی را به دلیل ارتباط با ایران تحریم کرد. بنابراین اگر بگوییم این جنگ تأثیری بر ایران ندارد، منطقی نیست. در گوشه و کنار دعای‌بر روزانه ردیابی ایران وجود دارد. اما این به معنای آن نیست که ایران می‌تواند بهره‌برداری تجاری داشته باشد. در واقع ایران بهانه‌ای است برای اعمال فشار بر یکار چین. همچنین برای چین هم در قبال آمریکا ابزاری است که تحریم‌ها را سخت‌تر یا نرم‌تر اجرا کند. در دو سال گذشته به‌طور متوسط بیش از یک و نیم میلیون بشکه نفت در روز به چین فروخته‌ام. بنابراین هر چه اختلاف میان چین و آمریکا بالا برود امکان فروش نفت ما به چین بیشتر خواهد بود. با این حال اگر این جنگ تعرفه‌ای، بلندمدت ادامه یابد، می‌تواند زبان‌هایی برای ما داشته باشد، چرا که با تداوم این نبرد، صادرات چین کاهش خواهد یافت. در نتیجه تقاضا برای خرید نفت هم می‌تواند کاهش یابد و این اصلاح‌ها در دناک خواهند بود. بورس ایران این روزها سرپایسته‌است، اما روی زمین لرزان نقدینگی.

حجم بالای نقدینگی را دارد. باید بورس را همچنان جذاب نگه داشت. دولت باید ابزارها و نهادهای توسعه دهد. اوراق متنوعی را در بازار تعریف کند، مجلس هم فرصت رشد و توسعه بازار را پدید آورد. بازار سرمایه باید بزرگ‌تر از بازار پول و مسکن شود و این اتفاق هم به درستی با تغییر قوانین سرمایه‌گذاری در حال رخ دادن است. دولت به درستی کانال‌کشی اقتصادی را انجام داده و این نقدینگی در حال پیدا کردن مسیر درست است. باید اجازه داده شود در سایه اعتماد عمومی مردم، این جریان پر حجم‌تر شود و به سمت مقصد نهایی خود که افزایش تولید است، حرکت کند. برای این کار باید بورس را پیش‌بینی‌پذیر (بر اساس آنچه عرف دنیاست) شفاف و جذاب نگه داشت تا بر نامه‌های عمومی یا خدشه‌دار شدن آن، ثمر نبیند. باید توجه داشت هر شرکتی فعالیتی دارد و سود یا زبانی هم بر آن مرتبط است و مردم برای سود شرکت یا احتمال خروج از زبان بازارش دارایی‌های آن می‌شوند و هر کس بر مبنای برداشت خود از این قیمت ممکن است در هر لحظه بر اساس مفروضات پیش رو تغییراتی بکند بالا برود یا پایین بیاید. انتظارات مردم از اتفاقات و پدیده‌ها و مفروضات موجود در بازار در نهایت قیمت‌ها را رقم می‌زنند. بسیاری از کارشناسان صرفاً با تکیه بر اطلاعات قدیمی و روندهای گذشته تصمیم‌گیری کرده و تحلیل می‌کنند. باید این بازار را جذاب نگه داشت و حمایت کرد تا هر چه نیاز مالی در کشور وجود دارد از همین بازار تأمین شود. در این صورت هدف اصلی که رشد تولید و رشد اقتصادی است، محقق می‌شود.

هیجان‌های مصنوعی و خروج ناگهانی منابع. در واقع، سرمایه‌گذاران امروز نه بر اساس تحلیل که بر اساس فرمان نقدینگی معامله می‌کنند. هر حرکتی که آن پول بخواهد، بازار ناچار به تبعیت است؛ حتی اگر آن مسیر در تضاد با منطق اقتصادی باشد. این همان جایی است که بورس از «بازار سرمایه» به «بازار رفتار پول» تبدیل می‌شود. سیاست‌های بانک مرکزی در زمینه تأمین مالی، فرآیند دسترسی شرکت‌ها به منابع را سخت‌تر کرده است. در صورتی که این عوامل را کنار هم قرار دهیم، می‌بینیم که وضعیت شرکت‌ها بهبود نسبی داشته، اما همچنان با شرایط مطلوب فاصله زیادی دارد. از این رو نقدینگی پر قدرت، به‌طور عمده به سمت سهام بزرگ هدایت شده، زیرا قابلیت نوسان‌گیری در این سهام‌ها بیشتر است و می‌تواند شاخص کل را به‌طور مؤثری تحت تأثیر قرار دهد. در مقابل، سهام‌های کوچک کمتر مورد توجه قرار گرفتند، چرا که قدرت لازم برای ایجاد

خود را وارد بورس کردند. اعتماد به معنای صعود بی‌وقفه بورس نیست. کسی هم این انتظار را ندارد، اعتماد مردم در نتیجه پیش‌بینی‌پذیری عوامل تأثیرگذار بر اقتصاد پدید می‌آید. مردم فقط دوست ندارند غافلگیر شوند. اصولاً اقتصاد جای سورپرایز کردن مردم نیست. وقتی می‌گویم خبرهای خوبی در راه است و یک هفته دیگر سورپرایز می‌شوید یعنی در حال حاضر چیزهایی هست که ما میدانیم و شما نمی‌دانید و این به معنای عدم تقارن اطلاعاتی دولت و برای همیشه از این موسسات مالی رخت بربست. به عبارت روشن‌تر در هر بخش اقتصادی که زمینه جلب اعتماد عمومی فراهم شد، مردم هم سرمایه‌های خود را بدون امساک وارد کردند. به‌رغم خدادهای سال ۹۹ بخش‌هایی از ایرانیان به دلیل فعال‌سازی اسنبک و به انگیزه مصون ماندن دارایی‌شان از تورم به بورس آمده‌اند و به دنبال جبران اثرات منفی ناشی از کاهش ارزش دارایی‌شان هستند. اما چگونه می‌توان با اثر عینی شناخته می‌شود. این کشورها در بحران سال ۲۰۰۸ نیز آسیب کمتری دیدند در حالی که کشورهایمانند ایتالیا و اسپانیا... تقریباً ز یاد آمدند. نظام‌مندی در هر سه قوه کشور می‌تواند ضامن سلامت اقتصادی باشد، قوانینی که بر اساس منافع جمعی تدوین می‌شوند، دولتی که منصفانه اجرا می‌کند و نظام قضایی که بی‌طرفانه به جرایم و تخلفات رسیدگی می‌کند. این مثلث، ضامن سرمایه اجتماعی کشور است که همانا اعتماد عمومی نام دارد.

۱) آیا تا به حال فکر کرده‌اید که چرا ایرانیان تا سال‌ها، پس‌انداز خود را در بانک نگه می‌داشتند؟ چرا سرمایه‌گذاری در مسکن و زمین همیشه مورد علاقه

بورس ایران برای اینکه شرایط امروز را تجربه کند فراز و فرود بسیاری را تجربه کرده است. این بازار هم توسعه دهه ۸۰ را پشت سر گذاشته و هم سقوط اواخر دهه ۹۰ خورشیدی را. وقتی الگوی توسعه کشورهایی چون ژاپن و آلمان بررسی شود، مشخص خواهد شد یک عنصر پررنگ در روابط حاکمیتی، قضایی و اقتصادی و سیاسی این کشورها وجود دارد که آنها را از سایر کشورهای اروپایی (نظیر ایتالیا و فرانسه) و نمونه کشورهای آسیایی نظیر چین متمایز می‌کند. این عنصر پررنگ، اعتماد عمومی مردم به حاکمیت (سیاسی، اقتصادی و قضایی) است که به عنوان یک سرمایه اجتماعی غیرقابل اندازه‌گیری اما دارای آثار عینی شناخته می‌شود. این کشورها در بحران سال ۲۰۰۸ نیز آسیب کمتری دیدند در حالی که کشورهایمانند ایتالیا و اسپانیا... تقریباً ز یاد آمدند. نظام‌مندی در هر سه قوه کشور می‌تواند ضامن سلامت اقتصادی باشد، قوانینی که بر اساس منافع جمعی تدوین می‌شوند، دولتی که منصفانه اجرا می‌کند و نظام قضایی که بی‌طرفانه به جرایم و تخلفات رسیدگی می‌کند. این مثلث، ضامن سرمایه اجتماعی کشور است که همانا اعتماد عمومی نام دارد.

۱) آیا تا به حال فکر کرده‌اید که چرا ایرانیان تا سال‌ها، پس‌انداز خود را در بانک نگه می‌داشتند؟ چرا سرمایه‌گذاری در مسکن و زمین همیشه مورد علاقه

بورس ایران برای اینکه شرایط امروز را تجربه کند فراز و فرود بسیاری را تجربه کرده است. این بازار هم توسعه دهه ۸۰ را پشت سر گذاشته و هم سقوط اواخر دهه ۹۰ خورشیدی را. وقتی الگوی توسعه کشورهایی چون ژاپن و آلمان بررسی شود، مشخص خواهد شد یک عنصر پررنگ در روابط حاکمیتی، قضایی و اقتصادی و سیاسی این کشورها وجود دارد که آنها را از سایر کشورهای اروپایی (نظیر ایتالیا و فرانسه) و نمونه کشورهای آسیایی نظیر چین متمایز می‌کند. این عنصر پررنگ، اعتماد عمومی مردم به حاکمیت (سیاسی، اقتصادی و قضایی) است که به عنوان یک سرمایه اجتماعی غیرقابل اندازه‌گیری اما دارای آثار عینی شناخته می‌شود. این کشورها در بحران سال ۲۰۰۸ نیز آسیب کمتری دیدند در حالی که کشورهایمانند ایتالیا و اسپانیا... تقریباً ز یاد آمدند. نظام‌مندی در هر سه قوه کشور می‌تواند ضامن سلامت اقتصادی باشد، قوانینی که بر اساس منافع جمعی تدوین می‌شوند، دولتی که منصفانه اجرا می‌کند و نظام قضایی که بی‌طرفانه به جرایم و تخلفات رسیدگی می‌کند. این مثلث، ضامن سرمایه اجتماعی کشور است که همانا اعتماد عمومی نام دارد.

۱) آیا تا به حال فکر کرده‌اید که چرا ایرانیان تا سال‌ها، پس‌انداز خود را در بانک نگه می‌داشتند؟ چرا سرمایه‌گذاری در مسکن و زمین همیشه مورد علاقه

۱) بر اساس تئوری‌های علم اقتصادی، بروز تورم علت‌های مختلفی دارد. نظریه‌های اقتصادی می‌گویند اصلی‌ترین و اساسی‌ترین علت ظهور تورم، اختلاف در عرضه و تقاضا است. در واقع هرگاه تقاضا از عرضه پیشی بگیرد و بیشتر شود، تورم ایجاد می‌شود. اما عوامل دیگری هم در این میان وجود دارند که باعث افزایش تقاضا یا کاهش عرضه در اقتصاد می‌شوند. این عوامل و مهم‌ترین عوامل رشد تورم و کاهش ارزش پول هستند که در دوران اقتصاد شکلی می‌گیرند. البته برخی عوامل هم از خارج و بیرون وارد اقتصاد می‌شوند. از جمله این موارد تورم‌زا، تورم وارداتی از سایر کشورها یا تغییرات نرخ ارز هستند. در کنار آن، عوامل سیاسی، امنیتی و نظامی نیز اثرات خاص خود را دارند. مثلاً اگر خطر جنگ وجود داشته باشد، ریسک اقتصادی هم بالا می‌رود، ریسک اقتصادی که بالا رود بر حجم تقاضاهای بازار اضافه شده، عرضه کاهش می‌یابد و تورم شکل می‌گیرد.

۲) از عوامل خارجی مانند تحریم‌ها، مسائل امنیتی، پایین بودن ارتباطات اقتصادی ایران با جهان، تهدیدات نظامی و مشابه آنکه بگذریم به عوامل داخلی می‌رسیم. مهم‌ترین علت بروز تورم در داخل، این است که اقتصاد ایران، اغلب رشد اقتصادی پایینی را تجربه می‌کند. در طول زمان افراد جامعه، توقعات بیشتری برای رفع نیازهای پیدامی‌کنند. مهم‌ترین ابزار رفع نیازها هم تولید کالاها یا بیشتر است. همواره انتظار افراد جامعه، بهتر شدن وضع اقتصادی است و بنابراین تقاضا برای داشتن کالاها هم برای پاسخ دادن به این توقعات بیشتر می‌شود. رشد جمعیت هم دیگر عامل افزایش درخواست برای کالاها است. اگر رشد تولید به اندازه افزایش انتظار افزایش جمعیت نباشد، عرضه یا تولید، کمتر از تقاضا می‌شود. چون رشد تولید در ایران طی سالیان گذشته کمتر از رشد جمعیت و رشد انتظارات بوده، اقتصاد ایران تورم بالایی را تجربه می‌کند. از سال‌های ۵۲ تا ۵۳ خورشیدی به بعد هر دولتی که در ایران روی کار آمده و سیاست‌گذاری کرده، ایران تورم بالا را تجربه کرده است. به جز برخی موارد خاص در دهه‌های ۵۰ و ۶۰، ایران هرگز به صورت واقعی تورم تک‌رقمی را تجربه نکرده است. علت این نوسانات تورمی به دلیل این است که عرضه رشد کافی نداشته اما تقاضا همواره به رشد همراه بوده است.

۳) در کنار این گزاره‌ها که شرح داده شد، مسائلی چون سیاست‌های غلط اقتصادی نیز تورم و پول را تحریک کرده‌اند. سیاست‌های غلط مالیاتی، سیاست‌های بیمه‌ای و تأمین اجتماعی، سیاست‌های غیر پایدار و تغییر یافته و... که تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهند باعث شده رشد تولید در ایران مداوم کاهش یابد. همچنین سیاست‌هایی که سرمایه‌ستیز است و باعث فرار سرمایه و ثروت می‌شود و امنیت تولید را به خطر می‌اندازد، عوامل دیگری هستند که تولید را کاهش می‌دهند. این همه ماجرا نیست، افزایش نرخ ارز هم باعث شده تا تولید کنندگانی ایرانی برای تأمین مواد اولیه و ماشین‌آلات در مضیقه باشند. در طرف تقاضا عامل مصرف‌گرایی نیز عاملی بوده که شدت تقاضا را نسبت به عرضه بیشتر کرده است. سیاست‌هایی هم به کار گرفته شده که نقدینگی در دست مردم بالا برده است. از جمله این موارد تزریق پول حاصل از درآمد‌های نفتی به داخل کشور است که در این زمینه آثار گذار بوده است. در ایران، نفت که فروخته می‌شود، ارز آن به بانک مرکزی رفته و ریال آن تزریق می‌شود. این پول مازاد بر تولید داخلی جامعه است. تقاضا از بیش از حد تولید بالا می‌رود. این روند تورم را افزایش می‌دهد و در تئوری‌های اقتصادی معروف به بیماری هلندی است... (ادامه دارد...)

یادداشت-۱

در باب همه عوامل
تورم‌ساز (۱)



مرتضی عزتی

زمانی که یک چنین پرسشی مطرح می‌شود، پای نظام تصمیم‌سازی‌های داخلی به میان می‌آید. تصمیماتی که باعث رشد تورم و کاهش ارزش پول می‌شود.

هر چند درباره این عوامل زیاد صحبت می‌شود اما کمتر شاهد آن هستیم که این عوامل تورم‌زا به صورت مصداقی و معلوم تشریح شوند. طی این یادداشت و یادداشت دیگری تلاش می‌کنم، ردپای این عوامل تورم‌زا را به صورت مصداقی بررسی کنم:

۱) بر اساس تئوری‌های علم اقتصادی، بروز تورم علت‌های مختلفی دارد. نظریه‌های اقتصادی می‌گویند اصلی‌ترین و اساسی‌ترین علت ظهور تورم، اختلاف در عرضه و تقاضا است. در واقع هرگاه تقاضا از عرضه پیشی بگیرد و بیشتر شود، تورم ایجاد می‌شود. اما عوامل دیگری هم در این میان وجود دارند که باعث افزایش تقاضا یا کاهش عرضه در اقتصاد می‌شوند. این عوامل و مهم‌ترین عوامل رشد تورم و کاهش ارزش پول هستند که در دوران اقتصاد شکلی می‌گیرند. البته برخی عوامل هم از خارج و بیرون وارد اقتصاد می‌شوند. از جمله این موارد تورم‌زا، تورم وارداتی از سایر کشورها یا تغییرات نرخ ارز هستند. در کنار آن، عوامل سیاسی، امنیتی و نظامی نیز اثرات خاص خود را دارند. مثلاً اگر خطر جنگ وجود داشته باشد، ریسک اقتصادی هم بالا می‌رود، ریسک اقتصادی که بالا رود بر حجم تقاضاهای بازار اضافه شده، عرضه کاهش می‌یابد و تورم شکل می‌گیرد.

۲) از عوامل خارجی مانند تحریم‌ها، مسائل امنیتی، پایین بودن ارتباطات اقتصادی ایران با جهان، تهدیدات نظامی و مشابه آنکه بگذریم به عوامل داخلی می‌رسیم. مهم‌ترین علت بروز تورم در داخل، این است که اقتصاد ایران، اغلب رشد اقتصادی پایینی را تجربه می‌کند. در طول زمان افراد جامعه، توقعات بیشتری برای رفع نیازهای پیدامی‌کنند. مهم‌ترین ابزار رفع نیازها هم تولید کالاها یا بیشتر است. همواره انتظار افراد جامعه، بهتر شدن وضع اقتصادی است و بنابراین تقاضا برای داشتن کالاها هم برای پاسخ دادن به این توقعات بیشتر می‌شود. رشد جمعیت هم دیگر عامل افزایش درخواست برای کالاها است. اگر رشد تولید به اندازه افزایش انتظار افزایش جمعیت نباشد، عرضه یا تولید، کمتر از تقاضا می‌شود. چون رشد تولید در ایران طی سالیان گذشته کمتر از رشد جمعیت و رشد انتظارات بوده، اقتصاد ایران تورم بالایی را تجربه می‌کند. از سال‌های ۵۲ تا ۵۳ خورشیدی به بعد هر دولتی که در ایران روی کار آمده و سیاست‌گذاری کرده، ایران تورم بالا را تجربه کرده است. به جز برخی موارد خاص در دهه‌های ۵۰ و ۶۰، ایران هرگز به صورت واقعی تورم تک‌رقمی را تجربه نکرده است. علت این نوسانات تورمی به دلیل این است که عرضه رشد کافی نداشته اما تقاضا همواره به رشد همراه بوده است.

۳) در کنار این گزاره‌ها که شرح داده شد، مسائلی چون سیاست‌های غلط اقتصادی نیز تورم و پول را تحریک کرده‌اند. سیاست‌های غلط مالیاتی، سیاست‌های بیمه‌ای و تأمین اجتماعی، سیاست‌های غیر پایدار و تغییر یافته و... که تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهند باعث شده رشد تولید در ایران مداوم کاهش یابد. همچنین سیاست‌هایی که سرمایه‌ستیز است و باعث فرار سرمایه و ثروت می‌شود و امنیت تولید را به خطر می‌اندازد، عوامل دیگری هستند که تولید را کاهش می‌دهند. این همه ماجرا نیست، افزایش نرخ ارز هم باعث شده تا تولید کنندگانی ایرانی برای تأمین مواد اولیه و ماشین‌آلات در مضیقه باشند. در طرف تقاضا عامل مصرف‌گرایی نیز عاملی بوده که شدت تقاضا را نسبت به عرضه بیشتر کرده است. سیاست‌هایی هم به کار گرفته شده که نقدینگی در دست مردم بالا برده است. از جمله این موارد تزریق پول حاصل از درآمد‌های نفتی به داخل کشور است که در این زمینه آثار گذار بوده است. در ایران، نفت که فروخته می‌شود، ارز آن به بانک مرکزی رفته و ریال آن تزریق می‌شود. این پول مازاد بر تولید داخلی جامعه است. تقاضا از بیش از حد تولید بالا می‌رود. این روند تورم را افزایش می‌دهد و در تئوری‌های اقتصادی معروف به بیماری هلندی است... (ادامه دارد...)